

Aims of Teaching Moral Concepts to Children Based on Views of Ayatollah Javadi Amoli

Sepideh Ensafi Mehrabani^{*}, Irandokht Fayyaz^{**}

Saeid Beheshti^{***}, Ali Delavar^{****}

Abstract

One of the duties of the formal and informal education system in the elementary school is to teach ethics to children because they have a pure heart and are ready to acquire virtues. In this regard, the present study was conducted to identify the aims of teaching moral concepts to children in the second grade of elementary school (aged 10 to 12 years) based on the views of Ayatollah Javadi Amoli. The research method was analytical-inferential. The results showed that closeness to God is the ultimate goal, and factors such as self-knowledge, cultivating God-seeking and godliness, thinking about moral issues, taking responsibility, increasing the patience level, success in honoring, respecting and loving human beings, and improving the sense of aesthetics are among the mediating aims of teaching moral concepts to children, which can be identified from the perspective of Ayatollah Javadi Amoli. Achieving these aims in the second grade of elementary school promises a creative

* PhD Student of Philosophy of Islamic Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, sepideh.ensafi@yahoo.com

** Associate Professor of Philosophy of Islamic Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author), iranfayyaz@yahoo.com

*** Professor of Philosophy of Islamic Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, beheshti@atu.ac.ir

**** Distinguished Professor of Assessment and Measurement, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, delavar@atu.ac.ir

Date received: 02/04/2021, Date of acceptance: 07/09/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۲ تفکر و کودک، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

and believing entry into adolescence, which, if accompanied with a coherent planning, can be effective in forming a lasting moral identity as desired by Islam.

Keywords: Ethics, Ethical Concepts, Educating Children, Ayatollah Javadi Amoli.

اهداف آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان براساس دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی

سپیده انصافی مهربانی*

ایراندخت فیاض**، سعید بهشتی***، علی دلاور****

چکیده

از جمله وظایف نظام تربیت رسمی و غیررسمی در دوره ابتدایی، آموزش اخلاق به کودکان است چرا که دارای قلبی پاک و زلال و آماده دریافت بذری چون کسب فضایل هستند. در این راستا پژوهش حاضر با هدف شناسایی اهداف آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان دوره دوم ابتدایی (سنین ۱۰ تا ۱۲ سال) بر اساس دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی انجام شد. روش پژوهش تحلیلی-استنباطی بود. نتایج نشان داد که قرب الی الله هدف غایی و مواردی مانند خودشناسی، پرورش خداجویی و خدایینی، تفکر در مسائل اخلاقی، روی آوردن به مسئولیت‌پذیری، افزایش آستانه صبر و بردباری، توفیق در اکرام، احترام و محبت به انسان‌ها، بهبود حسن زیبایی‌گرایی از جمله اهداف واسطه‌ای آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان هستند که می‌توان از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی شناسایی نمود. رسیدن به این اهداف در دوره دوم ابتدایی بشارت‌دهنده ورود متخلفانه و

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران،

sepideh.ensafi@yahoo.com

** دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

iranfayyaz@yahoo.com

*** استاد فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، beheshti@atu.ac.ir

**** استاد ممتاز سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، delavar@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶

معتقدانه به دوره نوجوانی است که اگر آن هم از برنامه‌ریزی منسجمی برخوردار باشد می‌تواند در شکل‌گیری هویت پایدار اخلاقی مورد نظر اسلام مؤثر باشد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، مفاهیم اخلاقی، آموزش به کودکان، دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی.

۱. مقدمه

دوران کودکی فرصت بسیار گران‌بهایی در امر آموزش اخلاق به حساب می‌آید. یکی از شبیهاتی که در اذهان برخی وجود دارد این است که فرد در دوره کودکی هنوز در مرحله‌ای نیست که بتوان مباحث اخلاقی را مطرح کرد چرا که هنوز در ذهن او مفهوم خوب و بد معنی پیدا نکرده تا بخواهیم او را تربیت اخلاقی کنیم. در پاسخ به این شبهه باید گفت این سخن پذیرفته نیست چون این شبهه از مقایسه سن با سنین بالا ایجاد می‌شود و اگر ما به ویژگی‌های این دوره از رشد دقت کنیم می‌بینیم که کودکان از توانایی بالایی برخوردار هستند و در همین مقطع است که مسئله هدایت و ضلالت در زندگی رقم می‌خورد. در حقیقت سنگ بنای تربیت انسان در همین مقطع گذاشته می‌شود و اگر چنین نبود، این‌قدر مسئله تربیت در دوره کودکی مورد سفارش قرار نمی‌گرفت (کاظمی، ۱۳۸۹: ۱۰۶-۱۰۵). آیت‌الله جوادی آملی از آموزش‌های دوران کودکی حمایت می‌کنند و با تاسی از آیه ۱۳۸ سوره مبارکه بقره «صَبَّغَةَ اللّٰهَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللّٰهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ» می‌فرمایند اگر کودک را از هدایت دینی و تربیت الهی بازداریم، شیرین‌ترین آهنگ زندگی و زیباترین رنگ حیات انسانی را از او دریغ کرده و وی را از والاترین مقام آفرینش، یعنی عبودیت خدای سبحان بازداشته‌ایم (جوادی آملی، ۱۳۹۴ الف: ۱۴۲). هم‌چنین در مورد محصول سخنان عالمان دینی در تربیت کودک معتقدند انسانی که به دنیا آمده، "حدیث العهد بالرب" است، یعنی تازه از حضور ذات اقدس خداوند، تنزل کرده و به خدا تعهد توحید ربوبی سپرده و به یاد اوست. او خدای خود را خوب می‌شناسد و به موادی که بر اساس آن به خدا تعهد توحید ربوبی سپرده آگاه است و با سرمایه الهام و آگاهی «فَاللّٰهُمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا» به دنیا آمده و هنوز رنگ تیره طبیعت او را رنگین نکرده و قابل ترقی است. بنابراین، قبل از این که با عادات و رسوم دیگر آشنا شود، باید او را با تربیت و آداب صحیح که "صبغه الهی" است رنگین کنیم و نگوئیم کودک است و باید بازی کند و هرچه خواست بگوید. بلکه بگوئیم بازی صحیح بکند و

اهداف آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان ... (سپیده انصافی مهربانی و دیگران) ۵

حرفِ خوب، یاد بگیرد. چون حرف و بازی خوب و رفتار، گفتار و کردار ظریف و صحیح کودکان هم کم نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۵ الف: ۱۴۲). دیگر این که میان سن، ساخت و اصلاح شخصیت اخلاقی رابطه معکوس وجود دارد؛ هرچقدر ساخت و اصلاح به زمان کودکی نزدیک‌تر باشد، قابلیت فرد در شکل‌دهی به شخصیت نیز افزایش می‌یابد. اما با افزایش سن انسان، از میزان انعطاف‌پذیری او خواه نسبت به انجام فضایل و خواه نسبت به ترک رذایل کاسته می‌شود. به این دلیل که با افزایش سن رفته‌رفته خصایل فرد تبدیل به ملکه می‌شود (حمله‌داری و موسوی‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۷۳). از طرفی باید توجه داشت که انسان دارای مجموعه‌ای از توانایی‌ها و استعدادهاست و در نظر گرفتن این توانایی‌ها در تربیت اخلاقی ضروری است و خداوند به‌عنوان بزرگ‌ترین مربی انسان‌ها، همواره بر این مطلب تأکید فرموده است که هیچ‌کس را فراتر از طاقت و قابلیت خویش، مورد بازخواست و تکلیف قرار نمی‌دهد (بقره/ ۲۸۶). آنچه در پژوهش حاضر مفروض گرفته شده مغتنم‌شمردن فرصت‌ها در دوره کودکی و تلاش مضاعف به‌منظور به‌فعلیت رساندن استعداد‌های تربیت اخلاقی است. نیز می‌دانیم که بحران‌های زیست‌محیطی، افزایش بزه‌کاری، تبهکاری، جنگ‌ها، فقر و بی‌عدالتی و مانند این‌ها شرایط را به گونه‌ای رقم زده‌اند که در عصر حاضر، بشر بیش از هر چیز دیگری به اخلاق و اعتلای آن نیازمند است (بارو، ۱۳۹۱: ۲۰۶). علوی اعتقاد دارد که برای مقابله با بحران‌های اخلاقی باید از دوره کودکی فضایل اخلاقی را به کودکان تعلیم داد و مقدمات کار را برای درک بیش‌تر آنان نسبت به فضایل و عمل به آن‌ها فراهم نمود. زیرا در خردسالی و کودکی، قلب و روح هنوز تحت تأثیر عوامل سوء و منحرف‌کننده قرار نگرفته است و کودک سریع‌تر پذیرای امور و مفاهیم اخلاقی می‌گردد (علوی، ۱۳۸۸: ۲۰۳-۲۰۲). آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۹۴ ب) هم به مسئله آموزش مفاهیم اخلاقی در دوره کودکی این‌گونه اشاره داشته‌اند که: «والدین باید تربیت درست و اسلامی فرزندشان را از دوران کودکی آغاز کنند و راهنمای خوبی برای دوران نوجوانی و جوانی فرزندشان باشند؛ زیرا در بزرگ‌سالی، شخصیت فرد به‌طور کامل شکل‌گرفته و تغییر و اصلاح آن، کاری بس دشوار است».

با توجه به مطالب و مستندات فوق، پژوهش حاضر در پی این است که بر اساس دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی اقدام به شناسایی و معرفی اهداف آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان دوره دوم ابتدایی (سنین ۱۰ تا ۱۲ سال) نماید. انتخاب دوره دوم ابتدایی بدین جهت است که مربیان بهترین فرصت را برای تعلیم آموزه‌های اخلاقی در اختیار دارند؛

چراکه در این مرحله، کودک نه چون مرحله اول بازیگوش است و نه مشکلات دوره بلوغ و نوجوانی را به همراه دارد، بنابراین در این مرحله کودک با خصوصیات شناختی [نگهداری ذهنی، طبقه بندی، ردیف کردن، درک مفهوم زمان و مکان] و خُلقی - تربیتی ای [فرمانبری و دیگرپیروی] که دارد، آمادگی کافی برای تربیت پذیری مستقیم اخلاقی را دارد.

۲. مروری بر پیشینه‌های پژوهشی مرتبط

جدول ۱. پیشینه‌های داخلی و خارجی مرتبط با آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان

پژوهشگر/پژوهشگران	عنوان پژوهش	خلاصه‌ای از یافته‌ها
Dingle & et al(2016)	آموزش اخلاق در روان‌پزشکی کودکان و نوجوانان	رسیدن به یک برنامه درسی برای شناخت معضلات اخلاقی روزمره کودکان و چگونگی مواجهه روان‌پزشکان با آنها
شریعتی (۱۳۹۶)	آموزش اخلاق به کودکان ۶ تا ۱۲ ساله با تأکید بر منابع اسلامی	اشاره به ویژگی‌های شناختی (ذهنی، طبقه‌بندی، ردیف کردن، درک مفهوم زمان و مکان)، ویژگی‌های خُلقی (فرمان‌بری، تعلیم و تربیت‌پذیری، دیگر پیروی و خود پیروی) و ویژگی‌های شخصیتی (گرایش به استقلال، تغییر خود پنداره از حالت جسمانی به حالت انتزاعی، امکان ارزیابی عزت نفس و چندبعدی بودن آن ثبات جنسیت، هویت گروهی) کودکان به هنگام آموزش مفاهیم اخلاقی
نجفی و محمدی (۱۳۹۶)	تبیین چگونگی تربیت اخلاقی در دوره کودکی و عوامل مؤثر بر آن: رهیافتی تأملی جهت سامان‌دهی برنامه‌های تربیتی	اشاره به عوامل وراثتی و محیطی (خانواده، مدرسه، همسالان، رسانه‌های مجازی و غیرمجازی، شرایط جغرافیایی) در تربیت اخلاقی کودکان
Rahim & Rahiem(2012)	استفاده از داستان‌ها به‌عنوان ابزاری در تربیت اخلاقی کودکان	به چالش کشیدن معلمان نسبت به میزان تسلط آنها در استفاده از داستان‌ها و کمک به برقراری ارتباط کودکان با عناصر داستان
Johansson, Brownlee, Cobb-Moore & Boulton-Lewis(2011)	تمرینی برای تدریس ارزش‌های اخلاقی در سال‌های اولیه	رسیدن به روش تدریس درگیر کردن کودکان در ایجاد معنا و یادگیری مشارکتی در آموزش ارزش‌های اخلاقی به کودکان
Oladipo(2009)	مسئولیت تربیت اخلاقی در کودکان	اشاره به این که تربیت اخلاقی کودک تنها مسئولیت یک نهاد نیست، بلکه نهادهای اجتماعی مختلف باید همکاری و تعامل مؤثر داشته باشند تا کودک بتواند از نظر اخلاقی تعلیم معناداری کسب کند

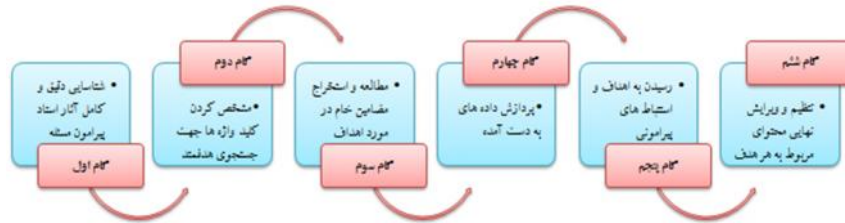
اهداف آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان ... (سپیده انصافی مهربانی و دیگران) ۷

<p>مرور آراء پاره‌ای از مکاتب مهم روان‌شناسی درباره رشد اخلاقی کودک و پاسخ به این سؤال که در چه سنی و با چه سازوکاری قوای اخلاقی کودک شکل می‌گیرند و توانایی‌های اخلاقی او تثبیت می‌شوند؟</p>	<p>رشد اخلاقی کودک</p>	<p>شیخ رضایی و همکاران (۱۳۸۹)</p>
<p>عوامل مؤثر در تربیت اخلاقی انسان‌ها، به‌ویژه کودکان</p>	<p>عوامل مؤثر در تربیت اخلاقی انسان‌ها، به‌ویژه کودکان</p>	<p>رجبی (۱۳۸۷)</p>

همان‌طور که مشاهده می‌گردد پژوهش جدی‌ای به امر هدف‌گذاری آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان آن هم از دیدگاه حکیم معاصر آیت‌الله جوادی آملی انجام نگرفته است و این شکاف نظری به‌شدت احساس می‌گردد.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ رویکرد در زمره تحقیقات کیفی و از نظر روش، تحلیلی-استنباطی بوده است. در این ارتباط با در نظر گرفتن مباحث بنیادین مرتبط با مفاهیم اخلاقی که مثل ریشه درخت عمل کرده و نقش مهمی دارند، اهداف را استخراج کرده‌ایم. استخراج اهداف می‌توانست دو صورت داشته باشد، صورت اول زمانی بود که ایشان بحث تربیتی منسجمی داشتند که در آنجا باید از گزاره‌ها استفاده می‌کردیم و منظور را گزارش می‌دادیم و اما صورت دوم زمانی بود که استاد جوادی آملی بحث تربیتی نداشتند و ما خودمان اقدام به شناسایی، مرور، استنباط و کشف گزاره‌ها می‌کردیم. آنچه در این پژوهش اتفاق افتاد صورت دوم بوده است، یعنی محققان با تأمل در آثار آیت‌الله جوادی آملی تحلیل‌ها و استنباط‌هایی در راستای هدف‌گذاری آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان داشته‌اند. جامعه پژوهش آثار مکتوب آیت‌الله جوادی آملی اعم از کتب، مقالات، پیام‌ها و بیانات ایشان می‌باشد و نمونه‌گیری در آن به شیوه هدفمند انجام شده و روش تحلیل آن، تحلیل محتوای کیفی از نوع استقرایی (از جزء به کل) بوده است. در ادامه نمودار فرایند رسیدن به مضامین مرتبط با اهداف و جدول آثار آیت‌الله جوادی آملی که در آن‌ها نشانه‌ها و خط فکری‌ای از آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان وجود داشت می‌آیند:



شکل ۱. فرایند استنباط اهداف آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان دوره دوم ابتدایی براساس دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی

جدول ۲. آثار آیت‌الله جوادی آملی در ارتباط با آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان

نام اثر و سال انتشار
اسلام و محیط‌زیست (۱۳۹۸ الف)، سخنرانی در دیدار با جمعی از اعضای هیأت علمی و پژوهشگران پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (۱۳۹۸ ب)، بیانات در دیدار با وزیر محترم آموزش و پرورش (۱۳۹۸ ج)، سخنرانی در مورد شرح نهج البلاغه (۱۳۹۸ د)، تفسیر تسنیم (۱۳۹۶ الف)، مبادی اخلاق در قرآن (۱۳۹۵ الف)، مفاتیح الحیاه (۱۳۹۵ ب)، حیات حقیقی انسان در قرآن (۱۳۹۴ الف)، تبیین جایگاه جوانان در اسلام (۱۳۹۴ ب)، بیانات در دیدار با جمعی از طلاب مدرسه علمیه حضرت زینب (س) آستانه و چالوس (۱۳۹۴ ج)، ادب فنای مقربان (۱۳۹۴ د)، مؤمنان و مسئولیت آنان نسبت به خود و خانواده (۱۳۹۲)، فطرت در قرآن (۱۳۹۰)، تفسیر انسان به انسان (۱۳۸۸ الف)، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی (۱۳۸۸ ب)، جامعه در قرآن (۱۳۸۸ ج)، توحید در قرآن (۱۳۸۵)

۴. یافته‌ها

مقصود از هدف در این پژوهش یعنی آنچه شایسته است که به‌عنوان امر مطلوب در آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان دوره دوم ابتدایی در نظر گرفته می‌شود و همه رفتارها و فعالیت‌ها برای دستیابی به آن صورت می‌گیرد.

توضیحی که در ابتدای هدف‌گذاری باید داد این است که اولاً آیت‌الله جوادی آملی به‌هنگام طرح و تبیین مباحث "انسان به ما هو انسان" و به معنای اعم را مدنظر داشته‌اند و مرادشان انسان در حال هدایت بوده است. قید‌گذاشتن و مختص کردن مطالب به دوره دوم ابتدایی یعنی کودکان دارای سنین ۱۰ الی ۱۲ سال توسط نویسندگان مقاله حاضر روی داده است. البته در اعمال قید کودکی نهایت اقدامات کارشناسانه و تربیتی یعنی توجه به مقتضیات سنی، رشد اخلاقی و استانداردهای آموزشی لحاظ شده است. برای این کار گروهی از متخصصان فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، اخلاق اسلامی و تربیت اخلاقی در طی جلساتی مورد مصاحبه و نظرخواهی قرار گرفته‌اند و شکل کنونی ماحصل تأییدات

اهداف آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان ... (سپیده انصافی مهربانی و دیگران) ۹

ایشان بوده است. در همین راستا و به عنوان نمونه نظرات هفت متخصص در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۳. نظرات متخصصان نسبت به کیفیت اهداف پیشنهادی آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان

نظرات متخصصان
متخصص تربیت اخلاقی: "محققان به خوبی به ویژگی‌ها و شرایط حاکم بر دانش آموز دوره دوم ابتدایی واقف بوده‌اند زیرا در این سن کودک به آرامی در حال فاصله گرفتن از کودکی و در آستانه بلوغ می‌باشد؛ و این به این معنا است که کودک از دوره‌ای که بر اساس متون دینی مستعد فرمان‌برداری بوده وارد عرصه‌ای می‌شود که زمینه فرمان دادن و مدیریت کردن خانواده که در جوانی فراهم می‌گردد. وجود اهدافی مانند مسئولیت‌پذیر کردن کودک در این سن زمینه‌ساز فرمان‌پذیر بودن او می‌شود که این سنگ زیربنای شخصیت او در مواجهه با تعاملات اجتماعی او می‌گردد و از طرف دیگر وجود اهدافی مثل خودشناسی و دعوت به تفکر او را آماده می‌کند تا در دوران بلوغ و پس از آنکه کودک از وادی شناخت‌های حسی به سوی شناخت‌های عمیق حرکت می‌کند با نگاه و بینش عمیقی پیرامون خود را مورد توجه قرار دهد."
متخصص فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی: "اهداف مدنظر قرار گرفته شده به‌عنوان هدف غایی و اهداف واسطه‌ای هم‌سو با رویکرد پژوهش هستند و به لحاظ رشدی و شناختی مناسب کودکان دوره دوم ابتدایی می‌باشند."
متخصص اخلاق اسلامی: "در مورد اهداف، تقسیم‌بندی به غایی و واسطه‌ای و قرار گرفتن اهداف واسطه‌ای، به‌عنوان زمینه، مقوم، هم‌سو با طبیعت و فطرت آدمی، منطقی و روش دینی به‌خوبی شرح داده شده است."
متخصص فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی: "انتخاب اهداف و ترتیب آن‌ها با توجه به آثار آیت‌الله جوادی آملی، زیبا و قابل تأمل است. به نظر می‌رسد مؤلفه‌های مبنا در تعیین هدف، با مدلولات تربیتی در زمینه تربیت اخلاقی کودکان در هم‌سویی مناسبی قرار گرفته باشد. به‌علاوه این گزاره‌های تربیتی خود نیز رابطه معنادار با یکدیگر دارند."
فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی: "کیفیت اهداف در راستای تربیت اخلاقی کودکان مطلوب است زیرا با توجه به هدف غایی اهداف واسطه‌ای همچون خداجویی، مسئولیت‌پذیری و... در راستای دستیابی به هدف غایی تلاش می‌کنند تا کودکان به سوی قرب الهی هدایت شوند."
متخصص فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی: "از آنجا که در هر پایه تحصیلی در آموزش مفاهیم دینی به دنبال دست‌یافتن به اهدافی با توجه به سن دانش‌آموزان هستیم، در دوره دوم ابتدایی نیز اهدافی را دنبال می‌کنیم که این اهداف با هدف غایی که محققان در نظر گرفته‌اند مطابقت دارد و همچنین اهداف واسطه‌ای بیان‌شده در پژوهش هم‌راستا و هم‌سو با اهداف موردنظر در دوره دوم ابتدایی می‌باشد."
متخصص تربیت اخلاقی: "آنچه باید بدان توجه داشت و این پژوهش نیز در پی آن می‌باشد، این است که درک و برداشت کودک از مفاهیم اخلاقی با بزرگ‌سالان یکسان نیست؛ آنان در حد ظرفیت ذهنی خود مطالب را می‌فهمند و بر آن اساس، جهان‌بینی خود را می‌سازند. اگر آموزش مفاهیم اخلاقی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی به‌گونه‌ای حساب‌شده صورت نگیرد، نه تنها از تأثیرات سازنده‌ای برخوردار نمی‌گردد، بلکه می‌تواند پیامدهای زیان‌باری به دنبال داشته باشد و خوشبختانه این کار در هدف‌گذاری حاضر به‌خوبی انجام شده است."

ثانیاً اینکه در اسناد بالادستی آموزش و پرورش مانند برنامه درسی ملی (۱۳۹۱) و اهداف دوره‌های تحصیلی (۱۳۹۷) هم وقتی به هدف‌گذاری رسیده‌اند گستره‌ای از اهداف مشترک را برای دوره‌های مختلف سنی و تحصیلی پیشنهاد داده‌اند و این ناشی از نیازهای مشترک

فطری و انسانی در هر یک از ساحت‌های اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، هنری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و بهداشتی است. منتها همین نیازها بر اساس ظرفیت‌ها و استعدادها دانش‌آموزان هر دوره خرد شده و به تناسب افزایش سن و تجربیات یادگیری عمق و وسعت پیدا کرده و در دوره‌های بعدی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در این پژوهش اهداف آموزش مفاهیم اخلاقی ذیل هدف غایی و اهداف واسطه‌ای تقسیم شده‌اند:



شکل ۲. هدف غایی و اهداف واسطه‌ای آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان دوره دوم ابتدایی

۱.۴ هدف غایی

شناخت از هدف غایی آموزش مفاهیم اخلاقی از راه جهان‌بینی و شناخت آغاز و انجام خلقت انسان صورت می‌گیرد. اگر جهان‌بینی درست باشد می‌توان به هدف غایی پی برد. اگر جهان‌بینی الهی باشد هدف غایی یک نوع می‌شود و اگر غیر الهی باشد کیفیت آن تغییر می‌کند. ویژگی‌های هدف غایی از نظر اسلام مواردی همچون همسازی با فطرت، جامعیت، برانگیزندگی، عدم محدودیت و وحدت با هدف آفرینش معرفی شده است (اعرافی، ۱۳۸۷: ۳۲-۳۱). در پژوهش حاضر تمام اهداف در راستای هدف نهایی خلقت

اهداف آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان ... (سپیده انصافی مهربانی و دیگران) ۱۱

قرار گرفته‌اند و مبتنی بر توحیدگرایی هستند. آیت‌الله جوادی آملی در مورد هدف غایی آموزش مفاهیم اخلاقی این‌طور نظر داده‌اند که: «همه ذرات عالم هستی به‌سوی کمال در حرکت‌اند و مسیر امر الهی را طی می‌کنند. انسان نیز تافته‌ای جداافتاده از جهان خلقت نیست؛ از این رو سعی می‌کند با رسیدن به کمال مطلوب، خود را با سایر مخلوقات وفق دهد و با مجموعه جهان آفرینش هماهنگ سازد» (جوادی آملی، ۱۳۹۵ الف: ۵۱).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، اساس این هدف غایی، ایمان به خداوندی است که کمال مطلق و مطلق کامل است و فرمان او بر تمام جهان هستی جاری و ساری است و کمال انسان‌ها در این است که پرتوی از صفات جمال و جلال او را در خود منعکس کنند و به ذات پاکش نزدیک و نزدیک‌تر شوند. ولی این به آن معنا نیست که صفات اخلاقی در بهبودی حال جامعه بشری و نجات انسان‌ها از چنگال بدبختی‌هایی اثر است؛ بلکه در یک جهان‌بینی صحیح اسلامی، عالم هستی یک واحد به هم پیوسته است، بنابراین هر چیزی که سبب صلاح حال فرد باشد سبب صلاح حال جامعه و هر چیز که در صلاح جامعه مؤثر باشد در صلاح فرد نیز مؤثر است.

آیت‌الله جوادی آملی، کسب فضایل اخلاقی را موجب نیل انسان به کمال نهایی می‌داند و بیان می‌دارد:

خدای سبحان کمال محض و کمال آفرین است؛ هر چه از او ظهور کند کامل است. عالم و آدم از او ظهور کرده و هر دو از مظاهر کمال حق‌اند، هم کمال نفسی دارند و هم از کمال نسبی برخوردارند: «مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ» (ملک / ۳) همه ذرات عالم هستی به‌سوی کمال در حرکت‌اند و مسیر امر الهی را طی می‌کنند، خدای سبحان به آسمان‌ها و زمین فرمود: خواهسته یا ناخواسته به‌سوی من بیایید، گفتند ما خواهانیم و با طوع و رغبت می‌آییم: «فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» (فصلت / ۱۱) انسان نیز تافته‌ای جداافتاده از جهان خلقت نیست، از این رو سعی می‌کند با رسیدن به کمال مطلوب خود را با سایر مخلوقات وفق دهد و با مجموعه جهان آفرینش هماهنگ سازد، راه هماهنگ شدن با نظام پیوسته جهان، در سیر به‌سوی کمال مطلوب، کسب فضایل اخلاقی است (همان: ۵۰).

۲.۴ اهداف واسطه‌ای

اهداف واسطه‌ای سیر حرکت برنامه آموزش مفاهیم اخلاقی را مشخص می‌کنند و از به هم پیوستن آن‌ها هدف غایی حاصل می‌شود. در ادامه به اهداف واسطه‌ای آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان دوره دوم ابتدایی اشاره می‌گردد:

۱.۲.۴ خودشناسی

استاد جوادی آملی نظر بر این دارند که راه‌های فراوانی در رسیدن به فضایل اخلاقی و آراستگی به آن مطرح است؛ لیکن بهترین راه چه در بخش علم و چه در بخش عمل، معرفت نفس است. انسان اگر گوهر ذات خود را بشناسد هم در علوم به بسیاری از معارف دست‌رسی پیدا می‌کند و هم در اخلاق (جوادی آملی، ۱۳۹۳). این مفسر فرهیخته در کتاب توحید در قرآن (۱۳۸۵: ۱۷۴) این‌طور نوشته‌اند که در روایات معصومان (ع) از خودشناسی با وصف «أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ» و «أَنْفَعُ الْمَعْرِفَتَيْنِ» یاد شده است. علی (ع) می‌فرماید: «مَعْرِفَةُ النَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۴، ج ۶: ۱۴۸)؛ «الْمَعْرِفَةُ بِالنَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعْرِفَتَيْنِ» (همان، ج ۲: ۲۵). استاد بر این اساس معرفتی را که به نحو برهان "لِمَ" و پی بردن از علت به معلول می‌باشد زمینه شناخت ذات اقدس الهی دانسته و فرموده‌اند که: «بیشترین و مهم‌ترین و ضروری‌ترین کار این است که انسان از حقیقت خود غفلت نکند. اگر حقیقت انسان برای ما روشن شد که انسان یک موجود فقیر است و از طرفی ذاتاً به خدا مرتبط است نتیجه آن خواهد بود که انسان پس از شناخت حقیقت خود خدا را خواهد شناخت» (همان). استاد در جایی دیگر یعنی در کتاب فطرت در قرآن (۱۳۹۰: ۸۴) تذکر داده‌اند که اگر انسان خویشتن خویش را بشناسد، به معاد هم ایمان می‌آورد و حیات ابدی را پیش از هر چیزی می‌بیند و به آن دل می‌بندد، و هم مسیر بین آغاز و انجام را می‌شناسد. از نظر ایشان قرآن کریم سرّ غفلت انسان را از معاد، غفلت از خویشتن می‌داند. آیت‌الله جوادی آملی نتیجه دستیابی به این هدف را این‌گونه توضیح می‌دهند که: «اگر معرفت به خود پیدا کردیم، ارزش خود را می‌فهمیم» (جوادی آملی، ۱۳۹۴ ج). منظور از این هدف آن است که کودکان از مبدأ و منزلت خود در نظام آفرینش و نیز استعدادها و توانمندی‌های اخلاقیشان آگاه شوند. خودشناسی در مباحث اخلاقی شناخت خویشتن از نظر صفات و استعدادها و ملکات اخلاقی است. به نظر ما خودشناسی، هدفی مهم است که بستری برای

اهداف آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان ... (سپیده انصافی مهربانی و دیگران) ۱۳

رشد و تحول اخلاقی کودک تلقی و به همین دلیل معلمان و والدین بایستی در رشد و ارتقاء آن در کودک سعی وافر داشته باشند. کودکی که به خودشناسی خوبی برسد، کودکی است که نقاط قوت و ضعف خود را می‌شناسد، قادر به شناخت ملزومات مورد نیاز برای حل یک تکلیف می‌باشد، خطاهای خود را می‌شناسد و آن‌ها را تصحیح می‌کند، احساسات خود را می‌شناسد و درباره‌ی آن‌ها صحبت می‌کند، قادر به فهم احساسات و نیازهای دیگران می‌باشد و نهایتاً قادر به درک تأثیر رفتار خود بر دیگران می‌باشد.

۲.۲.۴ پرورش خداجویی و خدایینی

از نظر آیت‌الله جوادی آملی اگر زندگی و اخلاق جاری در آن بر توحید و خدایینی متکی باشد، شرایط رشد و ترقی جوامع فراهم می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ج: ۱۸۹). در آرای استاد جوادی آملی، خداجویی و توحیدگرایی قوه‌ای است که مایه تکامل و تعالی انسان بوده (جوادی آملی، ۱۳۹۴ ج: ۲: ۳۶۲) و اگر به فعلیت رسد، فطرت در او شکوفا می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۴۲). امام سجاده (ع) در قالب دعای اول از صحیفه سجادیه به این هدف اشاره کرده‌اند:

به قدرت و توانایی خود، آفریده‌ها را نیکو و زیبا آفرید و آنان را به خواست خویش به‌وجود آورد، بی‌آنکه از روی مثال و نمونه‌ای باشد، سپس آنان را در خویشتن روان گردانید و در راه دوستی و محبت خود برانگیخت.

آیت‌الله جوادی آملی نیز در تفسیر انسان به انسان (۱۳۸۸ الف: ۲۳۰) به این هدف پرداخته‌اند. از نظر ایشان «تمام لایه‌های درونی هستی انسان را فطرت خداخواهی و خداجویی تشکیل می‌دهد و چیزی از بیرون نیز حجاب خدایینی درونی او نیست». در دیدگاه استاد، کمال انسان در این است که خود را به اصل برساند و رسیدن انسان به اصل خود، که کمال اوست با خودبینی جمع نمی‌شود و از این جهت از کمال انسانی به مقام فنا یاد می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۹۲). از نظر آیت‌الله جوادی آملی "کامل کسی نیست که خود را نبیند، بلکه کسی است که خدا را ببیند" (همان: ۹۳). ایشان همچنین نظر بر این دارند که خدایین، مجموعه جهان آفرینش را آیات، ابزار و مظاهر فیض خدا می‌داند و هر چه یا هر شخصی را که می‌بیند به‌عنوان بنده و مجرای فیض خدا می‌بیند و برای خود استقلال قائل نیست (همان). منظور از طرح این هدف برای آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان

دوره دوم ابتدایی است که قوه فطری خداجویی و خدایینی ضعیف نشود و بلکه با تدابیری پرورش یابد. در اصل استاد جوادی آملی معتقد به فطرت توحیدی انسان است که از خوبی‌ها آگاه و به خوبی‌ها گرایش دارد و از آن جایی که فضایل و خوبی‌ها به روح اصیل انسانی مربوط می‌شوند، موجب صعود انسان به مراتب بالای وجودی می‌گردند؛ پس در آموزش مفاهیم اخلاقی باید از ویژگی خداجویی استفاده کرد و با تقویت این نیروی باطنی، راه خود را در رسیدن به خدایینی و مراتب بالای انسانی هموار نمود. باید راه به جایی بُرد که در آموزش مفاهیم اخلاقی افعال الهی ملاک قرار بگیرند که همان مصداق خدایینی و خداواری خواهند شد. به نظر ما این هدف شامل پرورش اندیشه و بُعد معنوی آن در روح و قلب برای ایجاد زمینه ارتباط با خداوند است و همین ارتباط با خداوند و شناخت او می‌تواند زمینه‌ساز بروز رفتارهای اخلاقی خواهد بود. اما باید این را هم بدانیم از آنجایی که کودک با فطرتی پاک و گرایشی ذاتی به سوی خداوند متعال به دنیا می‌آید، اثبات وجود او برای کودک نیازی به استدلال‌های پیچیده ندارد. زیرا قدرت درک کودک بسیار عینی است و بررسی دلایل وجود خدا از حیطه قدرت درک کودک خارج است. اما می‌توان وجود خدا را با صفات الهی و نمود قدرت او در طبیعت که اتفاقاً بیشتر پرسش‌های کودکان نیز در همین زمینه است اثبات کرد. مطابق هدف پرورش خداجویی و خدایینی باید به کودک کمک کرد تا به تمام وقایع اطراف خود به چشم آیه و نشانه بنگرد که می‌خواهند او را به گونه‌ای به سوی خداوند تبارک و تعالی رهنمون کنند «سُرِّبِهِمْ ءَايَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» (فصلت/۵۳). همچنین ممکن است کودک پرسد خدا کجاست؟ در این صورت باید با او صحبت کنیم. به او بگوییم که خداوند در همه جا هست و همیشه از ما محافظت می‌کند. باید وجود خدا را در ذهن او عمق بخشید. می‌توانیم از مهربانی، محبت و یا عنایات خدا برای کودک و نعماتش توضیح دهیم. یکی دیگر از راه‌های رسیدن به هدف خداجویی و خدایینی تربیت عملی است. باید بدانیم که اگر این کار توسط مربیان و در معرض دید و مشاهده کودک انجام گیرد، اثر سازنده‌ای را به دنبال دارد و می‌تواند در ترغیب کودک مؤثر باشد. استاد ذیل تربیت عملی معلم فرموده‌اند که «هر معلمی امام مأموم خود که شاگردانش هستند می‌باشد. این معلم باید طوری طیب و طاهر باشد که شاگردانش بتوانند به قیام و قعود او اقتدا کنند و وجود او سراسر نور باشد» (جوادی آملی، ۱۳۹۸ج).

۳.۲.۴ تفکر در مسائل اخلاقی

این هدف به دنبال رشد دادن و تقویت توانایی اندیشه و تصمیم‌گیری درباره مسائل اخلاقی است و نقش مهمی در تشخیص حسن و قبح و پیشگیری از افتادن به وادی انحرافات اخلاقی دارد. باید گفت که تفکر جوهر وجودی انسان و فصل ممیز است که انسان را نسبت به موجودات دیگر تمایز و ممتاز می‌سازد (عارف‌مجبی، ۱۳۹۸: ۴). تفکر برای انسان به منزله چراغی است که انسان را در میان تاریکی‌های جهل و نادانی به سوی روشنایی‌های علم و آگاهی رهنمون می‌سازد. در روایتی امام علی (ع) می‌فرماید: «عَلَيْكَ بِالْفِكْرِ فَإِنَّهُ رُشْدٌ مِنَ الضَّلَالِ وَ مُصْلِحٌ الْأَعْمَالِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۴: ۴۴۶)؛ تو را به تفکر سفارش می‌کنم که از هر گمراهی به هدایت رهنمون می‌شود و اعمال را اصلاح می‌کند. «فِكْرُ الْمَرْءِ مِرَاةٌ تُرِيهِ حُسْنَ عَمَلِهِ مِنْ قُبْحِهِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۴: ۵۷)؛ فکر انسان آینه‌ای است که زشت و زیبای رفتار آدمی را به او نشان می‌دهد. روشن است که منظور از تفکر در این روایات تفکر در مسائل و رفتارهای اخلاقی است زیرا تفکر در سایر مسائل و موضوعات نتایج مذکور در این روایات را به دنبال ندارد. انسان موجودی است که کارهای خود را بر محور ادراک و تفکر انجام می‌دهد، به گونه‌ای که نه می‌توان تفکر را از او گرفت که نیندیشد، نه می‌توان کوشش را از او سلب نمود که موجود بی‌فعالیت شود (جوادی آملی، ۱۳۹۶ الف: ۱۰/۴۶۵). از نظر آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۷۹: ۲۷۳-۲۷۲)، قرآن کریم از دو راه انسان را به فکر و نظر فرا می‌خواند: یکی با ذکر عنوان "تفکر" و "تعقل" و دیگری با طرح بحث‌های قرآنی که با تفکر همراه است؛ گاهی در یک آیه از عنوان تفکر و تعقل سخنی به میان نمی‌آید، ولی در آن، برهان عقلی و فکری مطرح می‌شود. خود استدلال، تشویق به تفکر است و بنابراین لازم نیست گفته شود «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (رعد/ ۳). در دیدگاه استاد، فکر نوعی حرکت است و محور اصلی بحث در سیر باطنی فکری، سه چیز است: متحرک، مسافت و هدف. سیر باطنی نیز این گونه است که این سه امر جدای از یکدیگر باشد؛ مثلاً در جایی که انسان درباره نظم جهان برای پی بردن به توحید خالق می‌اندیشد، روح اندیشمند او متحرک، نظم جهان، مسافت و پی بردن به توحید خالق هدف است؛ یعنی او نظم جهان را بررسی می‌کند و به این مقصد می‌رسد که هر حرکتی محرک، طلب می‌کند و محرک کل، خدای واحد است (همان: ۲۷۲). آیت‌الله جوادی آملی معتقدند که تعلیم و تربیت از جمله مهم‌ترین

مکانیسم‌های تقویت‌کننده تفکر است. شکوفایی تفکر، وابسته به علم صائب و نیز به عمل صالح است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ب: ۱۲۷-۱۲۶). البته این را هم باید گفت که عمده تأکید این پژوهش به تفکر در مسائل اخلاقی تفکر و اندیشه قبل از انجام عمل است که سبب پیش‌گیری از ندامت بعد از عمل گردیده و انسان را از افتادن در ورطه انحرافات اخلاقی باز می‌دارد. لذا سزاوار است که به کودکان بیاموزیم تا قبل از هر رفتاری پیرامون آن بیاندیشند تا حسن و قبح اعمال برای آنان آشکار گردد و در نتیجه از انحرافات اخلاقی مصون بمانند. پیشوایان معصوم (ع) در روایات مختلفی به تفکر قبل از عمل سفارش نموده‌اند. «مَنْ تَوَرَّطَ فِي الْأُمُورِ بِغَيْرِ نَظَرٍ فِي الْعَوَاقِبِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلنَّوَابِغِ التَّدْبِيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ النَّدَمُ» (نوری، ۱۴۰۸ ق: ۱۱/۳۰۶). بر اساس این روایت تفکر قبل از عمل سبب می‌گردد حسن و قبح اعمال برای انسان آشکار گردیده و آنگاه انسان آن گونه که صلاح است عمل کرده و سرانجام، از انجام عمل خود راضی خواهد بود. علاوه بر آن تفکر پیش از رفتار سبب پرورش تفکر اخلاقی نیز خواهد شد. نکته قابل توجه این است که در بسیاری از توصیه‌های اخلاقی صرف تفکر قبل از انجام فعل موضوعیت دارد و خود این فعل موجبات تحسین و تقبیح را برای فرد به بار می‌آورد و می‌توان به صورت جداگانه برای آن جایگاه ویژه‌ای قائل شد و اهمیت آن در سلوک به حدی است می‌توان گفت کسی که به استاد کامل دست یافت، نیمی از راه را رفته است و اگر کسی چهل سال دنبال کامل بگردد، جا دارد و ضرر نکرده است.

۴.۲.۴ روی آوردن به مسئولیت‌پذیری

از دیگر اهدافی که ذیل آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان دوره دوم ابتدایی می‌توان طرح نمود مسئولیت‌پذیری می‌باشد. مسئولیت به معنای تعهد و پایبندی است. مسئولیت‌پذیری امری دارای مراتب است که در مراتب پایین آن نسبت به خود و در مراتب بالاتر نسبت به خدا، جامعه و محیط‌زیست مطرح می‌شود. آیت‌الله جوادی آملی نوشته‌اند که:

در جهان هستی انسان تنها موجود مسئولیت‌پذیر است، زیرا از سوی مانند جمادات موجودی مادی و صاحب جسمی با ابعاد سه‌گانه طول و عرض و ارتفاع، از سوی دیگر چون گیاهان دارای ویژگی‌هایی از قبیل رشد و تغذیه و تولیدمثل، از دیگر سو دارای

اهداف آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان ... (سپیده انصافی مهربانی و دیگران) ۱۷

غرایز و خصائص حیوانی مانند احساس، شعور، ادراک و اراده و شهوت و غضب و سایر غرایز و از جهتی صاحب روحی مجرد و ملکوتی و عقل انسانی است که با آن می تواند خود، خدا و موجودات دیگر را بشناسد و در عواقب کارهای خویش بیندیشد و از این طریق تمایلات و خواسته های خود را کنترل و آگاهانه انتخاب کند (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۶).

از نظر ایشان در مسئولیت پذیری نسبت به خود این وظیفه بر دوش او نهاده شده تا خود را بسازد و هریک از اعضاء و جوارحش نیز بر او حقی دارند که نسبت به ادای آن ها مسئولیت دارد و باید از آن ها در جهت رشد و تعالی خود بهره برداری نماید. جز سخن حق و درست نگوید و جز سخن حق را نشنود. با دست جز کار خیر انجام نهد و با پا جز برای کار خیر و الهی گام برندارد. شکمش را جز با حلال الهی پر نسازد و دامنش را از آلودگی حفظ کند و آن را به عفت و پاکی بیاراید و از این طریق او را از آتش جهنم ننگه دارد (همان). استاد در عرصه مسئولیت پذیری انسان نسبت به خدا فرموده اند که: «انسان یک وظیفه توحیدی دارد و آن، این است که نه به خود متکی باشد نه به دیگری تکیه کند، فقط به خدای سبحان متکی باشد برنامه او را تلقی کند، بفهمد، عمل کند و به دیگران منتقل کند» (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۱). مسئولیت های انسان نسبت به جامعه و افراد موجود در آن هم طیف سوم بوده و فروعات زیادی دارد. احسان، فداکاری، همدلی، مهرورزی، امانت داری، صداقت از جمله این فروعات هستند. مبدأ این مسئولیت ها و وظایف طبیعت اجتماعی انسان و وامدار بودن تکامل او به این صفات است، چنانکه بدون حضور در میان اجتماع، پیمودن راه تکامل برایش میسر نیست. در زمینه محیط زیست استاد نگاهی موهبتی و نعمتی داشته و بر حفظ و آبادانی تأکید و از هرگونه تخریب و اسراف نهی می کنند. طبق نظر ایشان خداوند تمام عناصر محوری مورد نیاز زندگی بشر را تأمین فرموده و بهره برداری از آن ها را جزء حقوق بشر قرار داده و جامعه را به صیانت آن ها از آفت، انقراض، کمبودی و مانند آن مکلف کرده است (جوادی آملی، ۱۳۹۸ الف: ۲۷۴). استاد در کتاب اسلام و محیط زیست (۱۳۹۸ الف: ۱۴) نوشته اند که باید توجه داشت که عملکرد انسانی و کنش و واکنش او نسبت به طبیعت، باید مطابق با این نگرش صورت پذیرد و هر نوع عملی که از انسان صادر می شود، تأثیری مستقیم در طبیعت داشته و در صحت یا مرض فضای پیرامون مؤثر است. نکته مهم دیگری که آیت الله جوادی آملی بر آن نظر دارند جنبه امانتی است. بر این اساس مسئولیت انسان نسبت به محیط زیست،

برحسب فضیلت امانت‌داری و جانشینی خداوند در زمین و نیز در قبال حق تصرف و بهره‌برداری منصفانه از طبیعت است (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۶۸۷). طبق این هدف مرییان باید بدانند که مسئولیت‌پذیری آموختنی است و در این راه به کودکان تحت تربیت خود اعتماد کرده و آن‌ها را نسبت به تصمیم‌گیری‌هایشان مسئول کنند؛ ضمن این‌که در کنارشان هستند، باید در مسئولیت انتخاب‌گری، خودشان را هم به خودشان واگذار کنند، چون حس مسئولیت‌پذیری از کودکان در آینده انسان‌های توانمند، مقتدر و مسئول می‌سازد. هشدار می‌دهد که در رسیدن به هدف کودکان را تهدید می‌کند این است در واگذاری مسئولیت به کودک حدود و استطاعت او را باید در نظر گرفت. مسئولیت سنگین اولاً کودک را نسبت به آن بی‌علاقه می‌کند و ثانیاً اگر کودک در سایه آن امری را بپذیرد روح اطاعت غلط در او ریشه‌دار می‌شود و استقلال‌طلبی در او زائل می‌گردد.

۵.۲.۴ افزایش آستانه صبر و بردباری

صبر و بردباری فضیلتی است که می‌تواند زندگی را به خوبی سامان ببخشد (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۱۳۹۸). صبر مضطرب نبودن، اعتراض و شکایت نکردن و اعضا و جوارح را در جهت غیر صحیح حرکت ندادن است (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۳۰۵). از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی صبر و استقامت در آموزه‌های دینی مسلمانان از اهمیت بالایی برخوردار است تا آنجا که در روایات ائمه معصومین (ع) به منزله سر برای بدن تشبیه گردیده است. نیل به هدف صبر در آموزه‌های اسلامی به عنوان یکی از برترین فضایل انسانی شمرده شده است و دارندگانش به بزرگی ستوده و تکریم شده‌اند. باید بدانیم که بسیاری از صفات اخلاقی ریشه در صبر دارد و کودک بدون صبر و استقامت، در جهات مثبت به جایی نمی‌رسد، از طرف دیگر هم کودک در برابر عوامل منفی و مصائب و آفات قادر به ایستادگی نخواهد بود. استاد با اشاره به چهار اصل مهم در سوره مبارکه "عصر" به راز موفقیت خانواده‌های بهشتی در پرتو بهره‌مندی از حلم و صبر اشاره کرده و بیان داشته‌اند که:

وقتی بهشتیان از این‌ها سؤال کردند از چه راه وارد بهشت شدید؟ گفتند از راه خانواده صحیح. با شفقت در خانه زندگی می‌کردیم؛ خداوند به ما فرمود اعضای خانواده را مثل خودت از آتش حفظ بکن، ما هم این کار را کردیم، با شفقت مواظب رفتار و کردار فرزندان و خانواده خود بودیم و با شفقت مواظب دوستان بچه‌هایمان بودیم. سوره مبارکه عصر را ما عمل کردیم، فرمود: قسم به عصر! انسان در خسارت است،

مگر کسی که این چهار اصل را داشته باشد: خودش معتقد خوب باشد یک؛ در کنار عقیده خوب، عمل صالح داشته باشد دو؛ همین دو عنصر محوری را به دیگران منتقل کند سه؛ و چهار "و تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ" (جوادی آملی، ۱۳۹۵ ج: ۱).

نکته‌ای دیگر این که آیت الله جوادی آملی نظر بر آن دارند بر اساس آیه ۲۰۰ سوره مبارکه آل عمران «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ خداوند همه مؤمنان را به صبر فردی و جمعی دعوت کرده است. از نظر ایشان اطلاق امر "اصْبِرُوا" شامل همه موارد صبر انفرادی می شود چنان که فرمان و "صَابِرُوا" همه مصادیق صبر جمعی را در بر می گیرد. "اصْبِرُوا" ناظر به صبر فردی است و به این معناست که هرکسی موظف به صبر است؛ اما "صَابِرُوا" ناظر به صبر جمعی و به معنای با هم صبر کردن است و به مؤمنان می فرماید: صبرهایتان را با هم تبادل کنید [نه این که هر یک به تنهایی صبر کنید] (جوادی آملی، ۱۳۹۶ الف: ۱۶ / ۷۷۰-۷۶۹). آیت اله جوادی آملی نکته مهمی دیگری در آموزش صبر پیشنهاد داده اند و آن یاد دادن طریقه "صبر فعال" است. از نظر ایشان صبر بدین معنا نیست که انسان در برابر سختی ها لب فرو بندد و فقط تحمل کند، بلکه باید راه برون رفت از معضل و کاستن از مشکل پیش بگیرد (همان: ۴۳۲). در جای دیگر نیز در همین ارتباط توضیح داده اند که کسی که در راه رسیدن به مقصد با شکست، ناکامی و نا ملامت رو به رو می شود، پیش از هز چیز باید بکوشد که سر جای خود بایستد و به عقب بر نگردد، تا زحمات گذشته اش هدر نرود. پس از تثبیت موقعیت خود و حفظ تلاش های سابق در مرحله دوم، باید با آرامش خاطر و متانت و وقار، برای ادامه مسیر تدبیر و برنامه ریزی کند؛ آن گاه در مرحله سوم باید نیرویی فراهم آورد تا به کمک آن بتواند تدبیر و برنامه خود را اجرا کند و بدین طریق به مقصد مطلوب خویش برسد (جوادی آملی، ۱۳۹۴ د: ۵ / ۵۰۰-۴۹۹). با در نظر گرفتن مطالب مذکور می توان گفت که افزایش آستانه صبر در کودکان نقش بسیار مهمی در شکل گیری شخصیت آنان ایفا می کند چون که هم با ساحت فردی (زندگی شخصی) و هم با ساحت اجتماعی شان (تعاملات اجتماعی) سر و کار دارد. لذا باید پذیرفت که هم رشد و سلامت فرد و نیز رشد و سلامت اجتماع تا اندازه زیادی بر توجه به آموزش این هدف وابسته است.

۶.۲.۴ توفیق در اکرام، احترام و محبت به انسان‌ها

محبت استعدادی فطری و فضیلتی اخلاقی بوده و ریشه همه ارزش‌های انسانی است به طوری که اگر نباشد از سایر فضایل اخلاقی خبری نخواهد بود. اگر کودک به دیگران به عنوان نشانه‌ای از خداوند که به او کرامت بخشیده نگاه کند نوع تعامل او با دیگران بی‌شک متفاوت خواهد شد. این هدف، بر خواسته از عواملی است که با پیدایش آن‌ها باعث می‌شود قلب انسان‌ها به یکدیگر نزدیک و کشش و محبتی بین آن‌ها ایجاد شود. برنامه ریزان تربیت اخلاقی باید به این نکته توجه کنند که وقتی کودک محبت می‌کند بلافاصله پاداشی دریافت می‌کند که این پاداش همان رشد اخلاقی است که خداوند به او عطا می‌کند. کودک باید به این نکته پی ببرد که او از دیگری و دیگری از اوست. البته آیت‌الله جوادی آملی منشأ دیگری نیز برای محبت به دیگران ذکر کرده‌اند و آن این است که:

چون انسان نیازمند است نمی‌تواند به تنهایی همه نیازهای خویش را برآورد، ناگزیر از محبت به کسی است که نیاز او را رفع کند. این گرایش درونی و محبت در موجود متفکر و مختاری مانند انسان هرگز طبق طبع یا غریزه محض نیست، بلکه حاصل بینش فکری اوست، اگر در گذشته به وسیله شخصی ضرری از کسی برطرف شد یا نفعی به او رسید، همچنین امید به این دو در آینده، باعث می‌شود که به او محبت بورزد (جوادی آملی، ۱۳۹۶ الف: ۸/ ۲۶۵).

استاد همچنین صرف مشاهده کمالی در شخص را نیز از دیگر علل مهرورزی و محبت به دیگران دانسته‌اند (همان). و اما نکته مهمی که در دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی وجود دارد و باید به هنگام برنامه‌ریزی بدان توجه گردد این است که ارزش محبت وابسته به ارزش و عظمت محبوب است (همان: ۲۸۹). نیل کودکان به هدف محبت می‌تواند بیشترین نقش را در ساماندهی اخلاقی آن‌ها داشته باشد. نکته پایانی این که طبق نظر استاد (۱۳۹۸ه) کودک طوری تربیت شود که نه تنها مشکل دیگری را حل کند بلکه مشکل دیگری را مشکل خود بداند یعنی این که کریمانه مشکل دیگران را حل کند. به عبارتی تعاون به نحو تعامل نباشد که مثلاً مانند یک معامله اخلاقی یا یک معامله اقتصادی باشد که در مقابل آن توقع داشته باشد دیگری هم پاداش او را با عمل خیر بدهد؛ بلکه به معنای حقیقی کلمه "کریمانه" باشد.

۷.۲.۴ بهبود حس زیبایی‌گرایی

زیبایی‌گرایی امری است که نمی‌توان به وجود آن در ذات انسان اذعان نکرد زیرا هر انسانی با هر خصوصیات فردی طالب زیبایی است. موضوع زیبایی موضوعی اصیل است و نه یک چیز فرعی که ساخته‌ی انسان باشد و انسان بدون توجه به زیبایی‌ها و تمایل به آن‌ها وارد دنیایی خشن و ظلمانی خواهد شد حال روح پرتلاطم انسان به واسطه‌ی زیبایی‌هاست که آرام می‌گیرد و نرم می‌شود. البته زیبایی خود چند دسته است. زیبایی‌ای حس‌ی که در چیزهای ملموس و محسوس است مانند منظره زیبا، طرح زیبا و ... که بدون استشنا در تمام انسان‌ها گرایش به زیبایی حدافل زیبایی‌های محسوس وجود دارد. دسته‌ای دیگر زیبایی‌های معنوی است به این معنا که با حواس ظاهری قابل‌درک نیست و باید از راه دل و عواطف روحی آن را درک کرد مانند زیبایی نفس پاک و صفای موجود در آن‌ها و یا زیبایی ترک معصیت و زیبایی که در انجام وظیفه و یا یک کار اخلاقی مانند مبادی آداب بودن، فداکاری و احسان به آدمی مشهود می‌شود (رسولی شریانی، ۱۳۷۵: ۱۶۰-۱۵۹). از منظر آیت‌الله جوادی آملی زیبایی، حقیقتی است که با دستگاه ادراکی انسان ملایمت داشته باشد. دیگر اینکه چون هیچ‌یک از افعال خدای حکیم، عبث نیست، بنابراین، همه آفریده‌های خداوند از آنجاکه خلقت خدای جمیل و دوستدار زیبایی‌اند، زیبایی‌شناسی خاص خود را دارند (خادمی و مسعودیان، ۱۳۹۳: ۲۰). به‌طور کلی، غرض از این هدف، هم بهبود زیبایی‌گرایی مادی و هم معنوی است. به نظر می‌رسد برای درگیری بیشتر کودک با زیبایی‌های مادی و ظاهری می‌توان او را در معرض زیبایی‌های آفرینش مانند مناظر بدیع طبیعی تحریک نمود و همه این زیبایی‌ها را موهبت خداوند و نشانه عشق خدا به انسان تعریف کرد که هر پدیده زیبایی به یاد خدا در ذهن کودک پیوند یابد. مطمئناً زیبایی‌گرایی مادی می‌تواند بستر ساز زیبایی‌گرایی معنوی هم باشد و کودک را به خداوند نزدیک‌تر سازد و همین نزدیکی به خداوند آغازی بر اخلاقی زیستن و تعهد اخلاقی می‌گردد. البته باید توجه داشت که با این وجود اگر انسان دارای روحی عرش‌نگر باشد این زیبایی‌ها مانند روزنه‌ای خواهند بود که او را وارد وادی قدسی و الهی خواهد کرد اما اگر روح فرس‌نگر باشد این زیبایی‌ها او را به زمین خواهد دوخت و او را از حقایق عالم دور خواهد کرد. حال که این کشش به سمت زیبایی‌ها ذاتی انسان و لازمه‌ی اوست پس از سنین دوره کودکی باید فرد را زیبا بین و زیباپسند تربیت کرد و در

هر مسئله‌ای و در مواجهه با هر شیئی ابتدا ذهن او را به سمت خوبی‌ها و زیبایی‌ها جلب کنیم به عنوان مثال زمانی که کودک نقاشی زیبایی می‌کشد ابتدا با تعریف و تمجید از زیبایی کار او به او بگوییم و سپس در برخورد با زیبایی‌ها هم کم‌کم او را متوجه جمال حقیقی کنیم.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور شناسایی اهداف آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان دوره دوم ابتدایی بر اساس دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی انجام شد. نتایج نشان داد اهداف را می‌توان ذیل یک هدف غایی و هفت هدف واسطه‌ای معرفی کرد.

هدف غایی قرب الی الله بود. این هدف از جهان‌بینی قرآنی آیت‌الله جوادی آملی برخاسته است. در این رابطه می‌توان به این تبیین رسید که ادیان الهی به‌ویژه دین اسلام معیار و ملاک واقعی فضیلت اخلاقی را برای همگان روشن می‌سازد و افراد را به سوی کسب آن‌ها به منظور رشد و تعالی بیشتر و رسیدن به کمال ترغیب و هدایت می‌نماید. و از آن‌جا که دین با توجه به تمامی شرایط روحی و جسمی افراد، برای تکامل انسان‌ها، نازل شده، لذا دربردارنده تمامی نیازها و خواسته‌های مطلوب و پسندیده انسانی و روش‌های ارضای آن‌هاست و پشتوانه محکم و ثابتی است که برای اصول کلی ارزش‌های اخلاقی که بشر به آن نیازمند است.

اولین هدف واسطه‌ای خودشناسی بود. به نظر استاد اگر کودکی خود را نشناسد و بر توانمندی‌ها و ضعف‌های خود آگاهی پیدا نکند، زمینه گرامی داشتن خود، کسب کمالات انسانی و درجات اخلاقی برایش فراهم نمی‌شود و در پی فهم چرایی‌ها و دلایل خوب و بد نمی‌رود. در دیدگاه ایشان خودشناسی پایه‌ای‌ترین نقطه رشد و صعود اخلاقی کودک به شمار می‌رود. همسو با نظر استاد نسبت به فواید و آثار خودشناسی، ریاضی هروری و شمشیری (۱۳۹۲) تأکید دارند که خودشناسی در ارتباط با خداوند "احساس تکلیف" و در ارتباط با خود "تهذیب نفس و خودسازی" و در ارتباط با دیگران "پاسداری و التزام به ارزش‌های انسانی همچون عدل، احسان، برابری، برادری، فداکاری و ..." را می‌تواند گسترش دهد.

اهداف آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان ... (سپیده انصافی مهربانی و دیگران) ۲۳

دومین هدف خداجویی و خدابینی بود. این هدف در پی نوعی رابطه میان کودک و خداست که پیوسته کودک خود را مجذوب ذات حق و نیازمند به او می‌داند، و مربی به‌عنوان الگویی شایسته مدیریت این جذب را بر عهده دارد و سعی‌اش بر این است که نگذارد فاصله‌ای بین کودک و خدا به وجود آید. طبق دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی مربی باید از همه توان خود استفاده کند تا کودک با نگاه به آئینه خلقت به جمال خداوندی نائل شود. این نگاه آیه‌ای هدیه‌ای به نام اخلاق‌مندی را برای کودک به ارمغان می‌آورد.

آنچه در مورد سومین هدف یعنی تفکر در مسائل اخلاقی گفته شد نشان می‌دهد که کودکان دوره دوم ابتدایی برای این که عمل اخلاقی داشته باشند، باید سلوک تفکر و استدلال اخلاقی را بیاموزند. یعنی بیاموزند در مواجهه با مسائل اخلاقی چه باید کرد. در اصل نظر استاد جوادی آملی بر این است که اخلاقی زیستن اگر زیربنای عقلانی پیدا کند ماندگار می‌شود و اگر از روی جو و تحت تأثیر محیط باشد زودگذر خواهد بود. می‌توانیم بگوییم به همراه تفکر است که مفاهیم اخلاقی به‌عنوان رفتارهای اخلاقی ملاحظه می‌شوند.

روی آوردن به مسئولیت‌پذیری، چهارمین هدف بود. این هدف از آن جهت مطرح شد که در دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی انسان از آن جهت که انسان است دارای مسئولیت‌های خاص الهی، فردی، اجتماعی و زیست‌محیطی است که در صورت توجه، پذیرش و عمل به آن‌ها زندگی اخلاقی نظامی مطلوب به خود می‌گیرد. صورت خاص این مسئولیت‌ها در مفاتیح الحیاه ایشان به تصویر کشده شده است. این قسمت از اهداف با نتایج پژوهش سبحانی‌نژاد و نجفی (۱۳۹۳) همسو می‌باشد. آن‌ها نوشته‌اند که ابعاد چهارگانه مسئولیت‌پذیری با یکدیگر پیوند ناگسستنی دارند و باید به‌صورت همه‌جانبه در افراد رشد یابند. از نظر آنان باید در نیل به ابعاد چهارگانه مسئولیت‌پذیری باید از تک‌تک ابعاد کمک گرفت و آن‌ها را نیز شکوفا ساخت و به رشد رساند تا رفتار اخلاقی جامع تحقق یابد.

پنجمین هدف افزایش آستانه صبر و بردباری بود. مطابق با این هدف، نظر استاد آن است که آموزش مفاهیم اخلاقی باید بتواند سعه‌صدر را در کودکان به همراه داشته باشد. مقابله با فشارهای روانی، دوری از اضطراب و استرس، احترام به قوانین و مقررات، ترک

برخی از رذایل مانند حسادت و سخن‌چینی از جمله کارکردهای تربیتی صبر هستند که در پژوهش سامی، مطوری و خنشا (۱۳۹۸) مورد اشاره قرار گرفته است.

توفیق در اکرام، احترام و محبت به انسان‌ها که خود از کرامت ذاتی سرچشمه می‌گیرد ششمین هدف بود. آیت‌الله جوادی آملی بر این اعتقاد هستند که این هدف در سایه خدایینی و عمل صالح دست‌یافتنی‌تر است و معنادار می‌شود. شهریاری و شرفی (۱۳۹۳) دریافته‌ای همسو گزارش کرده‌اند که نیل به این هدف کارکرد اخلاقی بسیار عمیقی دارد و خود مولود افعال اخلاقی دیگری خواهد بود. به نظر ما پیوند و دوستی با خویشاوندان و نیز احترام و محبت به دیگران راهی برای رسیدن به قرب الهی است.

آخرین هدف، بهبود حس زیبایی‌گرایی بود. به نظر استاد زیبایی‌گرایی در اخلاق به‌عنوان یک هدف به چیزی گفته می‌شود که در تلائم و موافقت با نفس انسان باشد و در واقع مورد پسند فطرت او قرار بگیرد.

جمع‌بندی دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی این‌طور است که طبق نظر ایشان زندگی انسان سراپا پیچیده در اخلاق است لذا باید از همان دوره کودکی باظرافت و دقت مفاهیم و فضایل اخلاقی را به کودکان تعلیم داد و مقدمات لازم را برای عمل اخلاقی آن‌ها فراهم نمود. چراکه در این دوره رشدی، قلب کودکان آمادگی بیشتری برای پذیرش امور و مفاهیم اخلاقی دارد و مقاومت کمتری از خود نشان می‌دهد. نتیجه دیگر این است که نباید کودکان را به حال خود گذاشت تا آن‌ها آزادانه و بی‌هیچ قیدوبندی پرورش یابند، به‌طور حتمی کسی که در دوران کودکی آزادانه از تمایلات خود پیروی می‌کند، در دوران نوجوانی، جوانی و بزرگسالی نیز نمی‌تواند تمایلات خود را تعدیل و تنظیم کند، زیرا عادت‌هایی که در دوران کودکی داشته به‌صورت ملکه راسخ و پایدار در می‌آید و چنان‌چه مورد غفلت واقع شوند، معایب در کودک ریشه می‌کند. دیگر این که در آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان مقصد و مقصود مهم است و در این راه مربی باید بتواند مطابق با اقتضائات دوران کودکی برنامه تربیتی خود را طراحی، اجرا و ارزشیابی کند لذا می‌تواند با کودکانی که هنوز در مراحل اولیه ورود به درک، جذب و عمل به مفاهیم اخلاقی هستند مساعدت نموده و قدری سعه‌صدر داشته و منعطف باشد. نکته آخر این که مفاهیم اخلاقی در دوره کودکی علاوه بر آن که از راه تفکر و شناخت یاد گرفته می‌شوند، اما نباید راه احساس و عاطفه به فراموشی سپرده شود، به نظر استاد جوادی آملی کودکان به شدت

اهداف آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان ... (سپیده انصافی مهربانی و دیگران) ۲۵

ترغیب به مباحث گرایش می‌شوند فلذا باب گرایش‌ها اهمیت بسزایی دارد یعنی باید اول خدابینی و سایر مفاهیم اخلاقی را نزد کودکان عزیز کرد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

- اعرافی، علیرضا. (۱۳۸۷). اهداف تربیت از دیدگاه اسلام. تهران: سمت.
- اهداف دوره های تحصیلی. (۱۳۹۷). تهران: شورای عالی آموزش و پرورش.
- بارو، رابین. (۱۳۹۱). درآمدی بر فلسفه اخلاق و آموزش و پرورش اخلاق. ترجمه فاطمه زیباکلام. تهران: حفیظ.
- برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۱). تهران: شورای عالی آموزش و پرورش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۳۸۴). شرح غررالحکم و دررالکلم. تهران: دانشگاه تهران.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸ الف). اسلام و محیط‌زیست. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۸ ب). سخنرانی در دیدار با جمعی از اعضای هیأت علمی و پژوهشگران پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع). قم: بنیاد بین‌المللی علوم و حیاتی اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۸ ج). بیانات در دیدار با وزیر محترم آموزش و پرورش. قم: بنیاد بین‌المللی علوم و حیاتی اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۸ د). سخنرانی در مورد شرح نهج البلاغه. تهران: شفقنا.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۸ ه). بیانات در درس اخلاق. قم، ۱۳۹۸/۱۰/۰۵.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۶ الف). تفسیر تسنیم. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۶ ب). وظیفه توحیدی انسان. تهران: مهر.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۵ الف). مبادی اخلاق در قرآن. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۵ ب). مفاتیح الحیاه. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۵ ج). بیانات در درس تفسیر و اخلاق. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۴ الف). حیات حقیقی انسان در قرآن. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۴ ب). تبیین جایگاه جوانان در اسلام. بیانات منتشر شده معظم له در خبرگزاری مهر. ۱۳۹۴/۰۳/۰۹.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۴ ج). بیانات در دیدار جمعی از طلاب مدرسه علمیه حضرت زینب (س) آستانه و چالوس.

- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۴د). ادب فنای مقربان. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۲). مؤمنان و مسئولیت آنان نسبت به خود و خانواده. ماهنامه پاسدار اسلام. ۳۸۳-۳۸۳: ۸-۶.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۳). بیانات در درس اخلاق. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). فطرت در قرآن. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸الف). تفسیر انسان به انسان. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸ب). شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸ج). جامعه در قرآن. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵). توحید در قرآن. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۹). مراحل اخلاق در قرآن. قم: اسراء.
- حمله‌داری، سعیده؛ موسوی زاده، روح‌الله. (۱۳۹۹). «ساخت و اصلاح شخصیت اخلاقی و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه شهید مطهری». دوفصلنامه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام. سال ۸، شماره ۱، صص ۱۶۵-۱۸۲.
- خادمی، حمیدرضا؛ مسعودیان، مسعود. (۱۳۹۳). هنر دینی از منظر علامه جوادی آملی. فصلنامه حکمت اسراء. سال ۶، شماره ۳، صص ۲۴-۵.
- رجبی، فاطمه. (۱۳۸۷). عوامل مؤثر در تربیت اخلاقی انسان‌ها به ویژه کودکان. ماهنامه طوبی. سال ۴، شماره ۳۷، صص ۱۱۶-۱۱۳.
- رسولی شربینانی، رضا. (۱۳۷۵). خداشناسی فطری از دیدگاه قرآن و حدیث و حکمت متعالیه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- ریاضی هروی، شیدا؛ شمشیری، بابک. (۱۳۹۲). «بررسی مفهوم خودشناسی از نگاه اسلام و استنتاج اهداف و روش‌های تربیتی آن». ماهنامه معرفت. سال ۲۲، شماره ۸، صص ۴۵-۵۸.
- سامی، محمدجواد؛ مطوری، علی؛ خنشا، علیرضا. (۱۳۹۸). «نقش صبر در تربیت اسلامی فرزندان با الگوپذیری از آیه ۱۳۲ طه». دوفصلنامه تفسیرپژوهی. سال ۶، شماره ۱، صص ۱۳۱-۱۱۷.
- سبحانی نژاد، مهدی؛ نجفی، حسن. (۱۳۹۳). «تحلیل ابعادشناسانه مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی اسلامی». فصلنامه سراج منیر. شال ۵، شماره ۳، صص ۱۷۰-۱۵۱.
- شریعتی، محمدجواد. (۱۳۹۶). آموزش اخلاق به کودکان ۶ تا ۱۲ ساله با تأکید بر منابع اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. جامعه المصطفی العالمیه.

اهداف آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان ... (سپیده انصافی مهربانی و دیگران) ۲۷

شهریاری، محمد؛ شرفی، محمدرضا. (۱۳۹۳). «الگوی تربیت اخلاقی اسلامی با محوریت کرامت نفس». فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. سال ۲۲، شماره ۲، صص ۲۷-۵۶.

شیخ رضایی، حسین؛ لامعی رامندی، لیلا؛ توسلی، ساناز؛ نشاط روح، آذر؛ اسکندری نژاد، فرشته؛ نظری، شهلا؛ شیرازی، زهرا. (۱۳۸۹). رشد اخلاقی کودک و ادبیات داستانی به همراه بررسی آثار داستانی جمشید خانیان از منظر رشد اخلاقی. فصلنامه تفکر و کودک. سال ۱، شماره ۱، صص ۳۷-۶۷.

عارف محبی، محمد. (۱۳۹۸). «الگوی تفکر از منظر آیت الله جوادی آملی». دوفصلنامه کلام اسلامی. سال ۹، شماره ۲، صص ۳-۲۴.

علوی، حمیدرضا. (۱۳۸۸). تربیت در قرآن و نهج البلاغه. کرمان: دانشگاه کرمان.
کاظمی، حمیدرضا. (۱۳۸۹). اصول و شیوه‌های تربیت اخلاقی از نگاه علامه مصباح یزدی و دلالت‌های آن در برنامه درسی آموزش و پرورش (مقطع دبستان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

نجفی، حسن؛ محمدی، محمدحسن. (۱۳۹۶). «تبیین چگونگی تربیت اخلاقی در دوره کودکی و عوامل مؤثر بر آن: رهیافتی تأملی جهت سامان‌دهی برنامه‌های تربیتی». ماهنامه معرفت. سال ۲۶، شماره ۶، صص ۵۷-۶۹.

نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل. بیروت: آل البیت.

Dingle, A, DeJong, S, Madaan, V, Ascherman, L. (2016). Teaching Ethics in Child and Adolescent Psychiatry: Vignette-Based Curriculum. MedEdPORTAL;12, pp10418.

Johansson, E, Brownlee, J, Cobb-Moore, C, Boulton-Lewis, G. (2011). Practices for teaching moral values in the early years: A call for a pedagogy of participation. Journal of Education Citizenship and Social Justice 6(2), pp109-124.

Oladipo, S, E. (2009). Moral Education of the Child: Whose Responsibility?. J Soc Sci. 20 (2), pp 149-156.

Rahim, H, Rahiem, M, D, H. (2012). The Use of Stories as Moral Education for Young Children. International Journal of Social Science and Humanity. 2(6), pp454-458.